

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه حج (جلسه یازدهم)

جلسه خانوادگی - استاد اخوت ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

ان شاء الله خدا حیات طیبه به ما عطا نماید صلواتی عنایت فرماید.

ان شاء الله در ایام عمرمان بتوانیم از لحظه لحظه، ثانیه ثانیه، ساعت به ساعت، روز به روز و سال به سال استفاده کنیم و ایام عمرمان هدر نرود **صلوات**

ان شاء الله قدر زمان، وقت و ایامی که رحمت‌های خاص نازل می‌شود را بیش از پیش بدانیم و ایامی که بر ما می‌آید و می‌رود را استفاده کنیم **صلوات**

تنوع ماه‌های عربی همانند تنوع فصول است. نویدبخش برکات و خیرات هستند. نوعاً هم خیرات‌شان معنوی است. محرم، صفر، رجب، شعبان و ...، ماه‌ها نو به نو می‌شوند؛ در این تنوع، جلوه‌های مختلفی از اسماء نازل می‌شود. حال آدم‌ها هم به خاطر این جلوه‌ها متفاوت است و برای این که از بهار ایام استفاده کنیم و مطلع خوبی برایمان باشد **صلوات**

در این جلسه آیات انتهایی سوره مبارکه حج را می‌خوانیم:

لَّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُبَاذِرُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ (۶۷)

خیلی عجیب است که خدا منسک داشتن را در این آیه به امت مربوط می‌کند. هر جا امت هست، منسک هم هست. می‌خواهد امت کفر باشد یا امت حق.

از این آیه می‌توانیم بفهمیم شرط تحقق امت، منسک است.

لزوم وجود امت این است که امت در طول تاریخ بین اعتقادات، باورها و سبک زندگی ای که وجود دارد، هماهنگی و هم‌رنگی ایجاد می‌کند و این به تقویت اعتقادات منجر می‌گردد.

سطح تعادل مردم در امت بالا می‌رود و افراد را سریع به کمال مطلوب می‌رساند.

اگر امت شکل نگیرد استعداد های افراد شناخته نمی‌شود.

اگر انسان، موفق به تشکیل امت نشود به کمال انسانی دست پیدا نمی‌کند (سوره مبارکه هود)

کمال انسانی در رسیدن "یک انسان" به حقیقت نیست، یک فراوانی نیاز دارد. چون خیلی از استعداد های انسان اجتماعی است.

منسک خصوصیتی دارد که طی جلسات پیش توضیح داده شد.. منسک، یک عبادت نیست، جریان از عبادات است که هم‌رنگی و هم‌شکلی می‌آورد همانند حج.

نکته‌ای بصورت کوتاه و کاربردی مطرح می‌کنم و از بحث منسک خارج می‌شویم.

گوش بدهید و بدون تفکر از آن عبور نکنید.

ورود و نتیجه‌گیری و پیشنهاد مطلب را گوش کنید.

یکی از مواردی که به طور قطع جزء مناسک می‌باشد، حج است. آیا فقط حج منسک است؟

خصوصیت حج چیست؟

افراد مسافرت می‌کنند، در محل و جایی به نام مسجدالحرام جمع می‌شوند، قبله، قربانی، وقوف و ... از مشخصات آن است. همه چیز حول کعبه می‌چرخد.

فرد تمام این ویژگی‌ها و مشخصات را در این منسک آموزش می‌بیند و عملیات‌هایی را در یک بازه زمانی انجام می‌دهد.

در این میان، خداوند، خصوصیتی که برای بخش‌هایی از این منسک گذاشته را در جاهای دیگری شبیه آن هم قرار داده‌است. مثلاً مسجد که تشریف می‌برید، شأنش، شأن مسجدالحرام و احکامش هم همان احکام است.

تفاوتی بین احکام مسجدالحرام با مساجد دیگر (به جز اندکی) نیست جز ثوابش.

مثل این است که خدا مساجد را قرار داده تا مسجدهایی که در جاهای دیگر هست، علامت و نشانه‌هایی داشته باشد. در مسجد که هستی فکر کنی در شعبه‌ای از مسجدالحرام هستی.

اگر این گونه نگاه کنیم، دید انسان عوض می‌شود. فرقی هم نمی‌کند آن مسجد کوچک باشد یا بزرگ. همان خاصیت‌هایی که مسجدالحرام از محل آمد و شد ملائکه دارد، این مسجد هم دارد.

خیلی عجیب است. اتاقی بوده، محدوده‌ای بوده و هیچ شأنی نداشته. همین که اسمش خانه خدا شد، گویی سیستمش وصل می‌شود به خانه خدا و ملائکه اینجا می‌آیند.

اگر قائل شویم منسک‌های دیگری داریم مثل اربعین، روزه‌هایی که در جاهای مختلف خوانده می‌شود هم شعب آن زیارت می‌شود. اگر برای مقدور نیست الان نجف بروی، با روزه یک شعبه‌ای از آن زیارتگاه را درست می‌کنی.

خداوند برای هر منسک، علم و آیه قرار می‌دهد. از یک طرف، مناسک را بزرگ قرار می‌دهد و از طرف دیگر محل مناسک را بدون شعبه قرار نمی‌دهد.

این که پرچم امام حسین علیه السلام را در خانه‌ات قرار دهی و آنجا را شعبه حرم اهل بیت علیهم السلام کنی، فرق می‌کند با یک خانه ساده. خانه‌مان را مسجد نمی‌توانیم بکنیم اما حرم اهل بیت علیهم السلام می‌توانیم.

جمع‌بندی این حرف این می‌شود که با مختصر تفکر و توجهی می‌توانیم از خصوصیات مناسک، به بهترین وجه استفاده کنیم. با این که منسک در زمان‌های خاصی است اما می‌توانیم روزانه و ماهانه آن منسک‌ها را یاد کنیم.

اهل بیت علیهم السلام درباره آیه نحل در سوره مبارکه نحل می‌فرمایند این نحل، ما هستیم که در کندوهای شما رفت و آمد می‌کنیم و عسل را در کندوهای شما قرار می‌دهیم... این عسل، علم نافع است.

با پذیرش این صحبت‌ها آیات بعدی معنا پیدا می‌کند. چون خود عملیاتی کردن منسک به برنامه‌ریزی نیاز دارد که ممکن است عده‌ای آن را نپذیرند و با آن مقابله کنند.

وَإِنْ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فَأَنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۶۸)

نوعاً بر سر مناسک با انبیاء علیهم السلام جدال می‌شده‌است. اگر بنا باشد یک عمل عبادی خیلی قوی گذاشته شود، منسک از آن دسته اعمالی است که سر و صدا برپا می‌کند. مثل حجی که امام خمینی (ره) اعتقاد داشت. منسک حج بدون برائت امکان ندارد.

مناسک به دلیل اهمیت‌شان در امت‌سازی، محل‌های نزاع بوده‌اند.

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۶۹)

بیان این آیه برای موضوعاتی مثل قیامت و ولایت مطرح می‌شود.

«تختلفون» در قرآن برای احکام اساسی است. یعنی در مناسک، موضوعات اساسی مثل توحید، قیامت و امامت مطرح است و چون بصورت شایع مطرح است، اختلافات را دامن می‌زند.

به هر حال این موضوع به اختلافات دامن می‌زند. ماهیت منسک اینطور است.

در منسک، تعریف‌مان به عبادات عوض می‌شود در نتیجه نگاهمان هم عوض می‌شود ... مسجدی که برائت ندارد، مسجد بیت‌اللهی نیست و نماد آن منسک نیست.

به همان نسبت که مسجدی یا روضه‌ای، از موضوع ولایت یا موضوعاتی که به حضور پرشور مردم در صحنه‌های اجتماعی دعوت می‌کند، خالی باشد، اسم آن روضه نیست، حج نیست و در نتیجه اسمش منسک نخواهد بود. مثل نماز بی روح است. نماز ساهون؛ نماز یراؤون.

أَلَمْ تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷۰)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (۷۱)

وَإِذَا تَنَالَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَبْتُكُمْ بِشِرِّ مَن ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِسِ الْمَصِيرِ (۷۲)

يَأْتِيهَا النَّاسُ ضَرْبًا مِّثْلَ مَا سَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْأَلُهمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (۷۳)

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (٧٤)

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (٧٥)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (٧٦)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٧٧)

وَاجْهَدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَثَلًا لِبِرَائِهِمْ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَانَكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (٧٨)

آیه ٧٨ آیه خیلی عجیبی است. از عجیب ترین آیات قرآن است.

می گوید جهاد کنید به گونه ای که حق جهاد را به جا آورید و بعد از آن می گوید در دین حرج نیست.

یعنی این که من جهاد می روم و کشته می شوم، اسمش، حرج نیست. منظورش این است که همه چیز ساده است.

در یک آیه، یازده جمله کنار هم چیده شده و هر کدام هم داستان خود را دارد.

در واقع شروع این آیه از آیه ٧٧ است.

در آیه ٧٢ نشان می دهد اگر کسی بخواهد آیات خدا را تلاوت کند، به هر حال عده ای خوششان نمی آید.

ما پذیرفته ایم به گونه ای زندگی کنیم که همه را راضی نگهداریم و گرنه خودمان را حذف می کنیم؛ اما رسولان اینطور نبودند. هر چند امکان داشت که رسولان را مورد تعرض قرار دهند؛ اما آنها با این حال از تلاوت آیات صرف نظر نمی کردند.

خدا از ما، آدمی می خواهد شجاع و بی باک که در هر صحنه ای، قدرت داشته باشد حرف خدا را بزند؛ هر جا هم به او تعرض کنند باز از این کار صرف نظر نمی کند.

یکی از حضار درباره امر به معروف و نهی از منکر پرسید

پاسخشان این است :

موضوعاتی که به توحید و باور مربوط می شود، قیمتش بالا می رود.

مُبلِّغُ بَدُونِ وَ تَبْلِيغُ دِينِ زَحْمَتِ دَارِدِ.

امر به معروف و نهی از منکر در این جهت، با وجود خطر برای خود و خانواده هم باید انجام بپذیرد. باید خطر کرد.

روایات امر به معروف و نهی از منکر، سطح بندی دارد.

وقتی موضوع بحث، حکومت دینی است، ثمن این امر به معروف و نهی از منکر، «جان» است.

آنهایی که از مرزها دفاع می کنند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، هر چند که جهاد هم هست.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِّثْلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَفِيدُونَ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ (٧٣)

امروز باید این آیات را در خانه ها زد و همیشه دید تا مقهور سلطنت دشمن نشویم.

زیرا گاهی، توهمی در دل انسان ها وارد می شود که که فرعون ها و نمرودها قدرت و زور داشتند و آدم ها را می -

کشتند و این توهم را درباره دشمنان امروز هم دارد.

این آیه می خواهد سطح توان دشمن را به انسان نشان دهد.

«لَنْ يَخْلُقُوا»، نفی ابد است. می گوید این ها در هیچ زمانی، نه تنها نمی توانند حتی مگسی به وجود بیاورند که اگر

مگس، چیزی از آن ها برآید هم نمی توانند آن را سلب کنند.

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (٧٤)

این گله خدا از انسان است و می فرماید: باید در ذهنت باشد که خدا از همه توانمندتر است.

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (٧٥)

این آیه قدرت نمایی خدا را سطح دیگری مطرح می کند.

خدا ملائکه و رُسُل را اصطفاء کرده است.

اصطفی: از خلوص است. خالص را برای خود انتخاب کردن؛ به مقام مخلصین نائل می شود.

اجتبی: برگزیدن است، بین یک گروه، به یک کسی، فضل و امتیاز می دهند؛ مثل این است که می گردید و هر چه طلا هست جدا می کنید.

اطمینان داشتن به رسول در این آیات مهم می شود.

در سوره مبارکه زخرف ، فرعون درباره موسی (ع) می گوید این بنده خدا می خواهد رسول باشد؛ یا باید زینت درباری داشته باشد یا مَلَكُك داشته باشد؛ این فردی که ادعای پیامبری دارد هم از طبقه پایین است و اشراف زاده نیست و هم معلوم نیست چه می گوید!!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۷۷)

این آیه برای ماست و خداوند از طریق ملائکه و رُسُلش آن را به ما رسانده است.

۱. رکوع کنید.

۲. سجده کنید.

۳. عبودیت کنید. (رکوع و سجده در عبودیت هست اما جدا آورده) این که سجده و رکوع بیرون می آید یعنی توجه ویژه ای به آن ها داشته و شأن آنها را ممتاز می کند.

۴. فعل خیر داشته باشید.

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَانَكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (٧٨)

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ:

خداوند از ما جهاد می‌خواهد آن هم به گونه‌ای که حق جهاد ادا شود.

مثل امام حسین (ع) جهاد کن. در زیارت اهل بیت علیه السلام می‌خوانیم: «اشهد أن جاهدت في الله حق جهاده»

من باید به گونه‌ای زندگی کنم که وقتی مُردم، امام معصوم علیه السلام بیاید و شهادت دهد که حق جهاد را به جا آورده‌ام.

امر را خاص نکرده؛ اما آنچه از گروهی خاص خواسته بود را از شما می‌خواهد.

هُوَ اجْتَبَاكُمْ:

شما را اجتنبی کرد و برگزید

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ:

در جهاد دستت زخم شد، می‌گویی: حرج؟؛ بچه‌ات شهید شد، می‌گویی: حرج؟؛ کمی سطح‌ات را بالا بیاور!

مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ:

این آیین پدرتان ابراهیم است که بچه‌اش را برای خدا ذبح کرد.

هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ:

نام شما را مسلمان گذاشت

وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ:

هم رسول بر شما گواه باشد و بر این امر شهادت دهد و هم شما به مقام شهادت به دیگران برسید.

فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ

وَآتُوا الزَّكَاةَ

وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَانَكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ:

در زندگی فقط او مولای شماست.

در زندگی مسیر دیگری را انتخاب نکنید. در مولویت خود و مولایی خدا هیچ، کم نمیگذارد و از نصرت هم خارج نمی‌شود.

ان‌شاءالله با سوره حج توافق کنیم از آخ و واخ کردن، جزع و فزع کردن، چسبیدن به دنیا، از عدم تحمل‌هایی که در مسیر دین هست، هجرت نکردن‌ها، ترس از تبلیغ، ترس از یاد گرفتن و ... خارج شویم.

شجاع شویم؛ از آن آدم‌هایی بشویم که بشود روی آنها حساب کرد؛ در شهری مسیحی اگر وارد می‌شویم بتوانیم همه آنها را شیعه کنیم.

ان‌شاءالله سال بعد بینیم خانواده‌ها در شهری، کشوری دیگر رفته‌اند و موسسه زده‌اند و تبلیغ می‌کنند. اینجا خبری نیست!

باید به فرمانده و سرلشگرهای فرهنگی تبدیل شویم. قدرت نداریم، از قرآن اطلاعات نداریم، از نهج البلاغه و ... باید این‌ها اصلاح شود.

آدم اراده بکند، خدا برایش فراهم می‌کند.

سوره حج باید در ما ایده جهاد، سخت‌کوشی و .. ایجاد کند.

باید به گونه‌ای زندگی کنیم که امام معصوم علیه السلام بر عبودیت ما شهادت دهد. کسی نگوید که نمی‌شود.

ان‌شاءالله امام زمان عجل الله و اهلبیت علیهم السلام در بیداری، در خواب و مردن‌مان به مفاد آیات ۷۷ و ۷۸ سوره حج برای ما شهادت دهند. این دعا را از امشب یاد بگیریم.

از حرکت علمی باید شروع کرد. چون جهاد شما علمی است.

دانستن قرآن، فهم روایت، شیوه‌های احتجاج، دانستن مراتب سنی، نحوه ایجاد ارتباط و ... این‌ها مهم است.

شما باید صحنه سازی و معرکه آفرینی کنید. باید قله‌های مختلف را فتح کرد و برای این کار باید از نقطه‌ای شروع کرد. مثلاً مسجد محله، مدرسه‌های محله و ...

باید بتوانی مکان‌های سخت را فتح کنی.

باید تلاش کرد. ممکن است شما شش ماه مطالعه کنید تا بتوانید یک حرف را بزیند.

العلم سلطان. بوسیله علم می‌توانی سلطه پیدا کنی.

وقتی من نتوانم یک فامیل که همه شیعه هستند را به قرآن دعوت کنم؛ جایی که معاند هستند را می‌توانم؟!

خدارا شکر که خداوند برای همه ما محل‌هایی برای آنکه بتوانیم ایمان‌مان را پیشرفت دهیم قرار داده‌است.

پیشنهادم این است که، کسانی که کم‌تر هستند به دنبال تسلط به یک زبان باشند.

میزان تشنگی‌ای که از خارج از مرزها مشاهده می‌کنید بیشتر از تشنگی در داخل است.

۲. تسلط روی وسایل مجازی و استفاده بهینه از آن‌ها خیلی خوب است.

به نظر می‌رسد دانستن و کار کردن با شبکه‌های مجازی و تهیه خوراک برای آن‌ها ضرورت است.

امیدوارم با کارهای مجازی بتوان به شدت فضای قرآنی را در کشور و کل جهان گسترش داد.

پیام دریافتی ما از سوره حج، روحیه جهاد و رسیدن به شهادت با مانور منسک، بود که ان‌شاءالله تحت بیرق ولیّ

الهی بتوانیم آن را عملیاتی کنیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات